



University of Science and Quranic Knowledge
Shahran Faculty of Quranic Sciences

A Comparative Study of the Originality of the Creation of the Universe and Humanity from the Perspective of the Quran and Philosophers

Seyyed Ruhollah Hosseini Aliabad¹ , Hamid Aryan² 

1. PhD in Quran and Hadith Sciences, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran (Corresponding author). hoseiny.ali.110@gmail.com
2. Associate Professor, Department of Quranic Interpretation and Sciences, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran. aryan@iki.ac.ir

Detailed Abstract

Research Objective: This research aims to clarify the Quranic depiction of the originality of the creation of the universe and humanity, and also to demonstrate what philosophers intend by the term "origination" (ibdā') and the conclusions of their thoughts regarding the originality of the creation of the universe and humanity. After presenting the views of the Quran and philosophers on the issue of the original creation of the universe and humanity, the two perspectives are compared, highlighting their points of agreement and divergence, and ultimately demonstrating the superiority and comprehensiveness of one over the other.

Research Method: The methodology of this study is documentary, and the problem-solving is conducted through a descriptive-exegetical approach to extract the Quranic perspective. In the exploratory phase of the verse analysis, both literal and conceptual search methods were employed, and various verses were collected and examined based on their implications, from which the Quranic viewpoint on the subject was inferred. In reporting and analyzing the views of philosophers, a descriptive-analytical method was used, while the comparison and differentiation between the Qur'anic and philosophical viewpoints on the subject were conducted using a comparative—and at times critical—approach.

Findings: The findings of the research indicate that in the Quran, "originality" (ibdā') is used to mean unprecedentedness and the absence of a need for a prior model. The relevant verses consistently indicate the original creation of the universe and humanity. However, in philosophical terminology, "originality" refers to the creation of something without the need for pre-existing matter or time. The logical relationship between the Qur'anic concept of originality and its technical meaning

Received: 2024/10/12 ; Received in revised from: 2025/02/01 ; Accepted: 2025/02/05 ; Published online: 2025/03/15

◆ How to cite: Hosseini Aliabad, Seyyed Ruhollah, Arian, Hamid (1403SH): "A Comparative Study of the Originality of the Creation of the Universe and Humanity from the Perspective of the Quran and Philosophers", *journals Comparative Interpretation Studies*, 9(18), P106-131, [10.22034/csq.2025.483123.1479](https://doi.org/10.22034/csq.2025.483123.1479)

©2025/ Authors retain the copyright and full publishing rights. Published by: Department of Qur'anic Exegesis and Sciences



among prominent philosophers is one of generality and specificity, with the Qur'anic concept being more comprehensive, encompassing the creation of entities preceded by matter. Philosophers do not agree on the originality of the creation of the universe and humanity; some consider the creation of the material world or the non-material world to be original. Therefore, most philosophers do not regard the creation of humanity as original. Only those philosophers who view originality as the bestowal of existence by God consider the existence of the universe and humanity to be original. Most philosophers regard the matter of human creation as original but consider the creation of the human body to be from pre-existing elements. In contrast, the Qur'an, unlike the prevailing philosophical view, asserts that the creation of the human body is also original. The Quranic perspective differs from that of philosophers in two key points: first, the Qur'an explicitly states the originality of the creation of the universe and clearly indicates the originality of human creation, whereas the philosophers' view on the originality of human creation is ambiguous. Second, according to the Quran, the creation of material entities is original, whereas the majority of the prominent philosophers do not consider it to be so. The issues faced by philosophers include a lack of consensus on the instances of original creation and the use of the term "originality" in a non-literal sense without contextual indicators.

Final Conclusion: For the creation of humanity from matter, the Quran does not use the Arabic term "badā'" or its derivatives; however, it employs synonymous terms such as "inshā' (bringing into being), " 'ibd'ā' (origination)", "faṭr," (primordial creation) and "khalq" (creation) which, in the presence of other contextual indicators, signify a mode of creative origination. Divine creation, according to the Qur'an, is not contingent upon a pre-existing matter or substrate; rather, God brings things into existence ex nihilo ("from nothing"). From the Qur'anic perspective, both the creation of the universe and the creation of the human being—whether in terms of the spiritual or the physical dimension—are considered acts of origination. This is because human creation, either in terms of the combination of matter and form or solely in terms of form, does not require a prior blueprint, and the spiritual dimension is not dependent on any primordial material. Moreover, in light of its unprecedented nature, human creation is considered a unique act of origination even among the various forms of divine creation.

Keywords: Creation, Origination of the World, Origination of the Human Being, the Qur'an and Origination, Philosophers and Origination

بررسی تطبیقی ابداعی بودن آفرینش جهان و انسان از نظر قرآن و فیلسوفان

سیدروح الله حسینی علی آباد^۱، حمید آریان^۲

۱. دانش آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ایران (نویسنده مسؤول)؛

hoseiny.ali.110@gmail.com

۲. دانشیار گروه تفسیر و علوم قرآن مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ایران: aryan@iki.ac.ir

چکیده

این مقاله در صدد بیان دیدگاه قرآن و فلاسفه در موضوع ابداعی بودن آفرینش جهان و انسان است و با شیوه مطالعه اسنادی و روش پردازش توصیفی-تحلیلی-تفسیری به بررسی تطبیقی دیدگاه قرآن و فیلسوفان در این باره می پردازد. یافته های تحقیق حاکی است که ابداع در قرآن به معنای بی سابقه بودن و عدم نیاز به الگوی قبلی به کار رفته و آیات مرتبط با مسئله، به صورت هماهنگ بر آفرینش ابداعی جهان و انسان دلالت دارند؛ اما ابداع در اصطلاح فلاسفه به معنای ایجاد شیء بدون نیاز به ماده و زمان است. نسبت منطقی مفهوم ابداع در قرآن با اصطلاح آن نزد مشهور فلاسفه عام و خاص مطلق است و مفهوم ابداع قرآنی اعم از ابداع فلسفی بوده و شامل خلقت موجودات مسبوق به ماده هم می گردد. فلاسفه درباره ابداعی بودن آفرینش جهان و انسان اتفاق نظر ندارند؛ برخی خلقت اصل عالم ماده و یا عالم غیرمادی را ابداعی شمرده اند و لذا مشهور فلاسفه آفرینش انسان را ابداعی نمی دانند. برخی فیلسوفان ابداع را افاضه وجود از طرف خداوند می دانند و وجود عالم و انسان را از این باب ابداعی می شمارند. فلاسفه ماده آفرینش انسان را ابداعی و خلقت جسم انسان را از مکونات می دانند؛ ولی از نظر قرآن برخلاف دیدگاه مشهور فلاسفه آفرینش جسم انسان نیز ابداعی است. دیدگاه قرآن در نقطه با نظر فلاسفه تمایز پیدا می کند: اول صراحت بیان قرآن در ابداعی بودن آفرینش جهان و ظهور بیان آن در ابداعی بودن خلقت انسان؛ درحالی که نظر فلاسفه درباره ابداعی بودن خلقت انسان ابهام دارد. دوم از دیدگاه قرآن آفرینش مخلوقات مادی ابداعی است ولی از نظر مشهور فلاسفه ابداعی نیست.

کلیدواژه ها: آفرینش ابداعی، آفرینش جهان، آفرینش انسان، قرآن و آفرینش ابداعی، فلاسفه و آفرینش ابداعی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۱ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۱/۱۳ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۷ | تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵

◆ استناد به این مقاله: حسینی علی آباد، سیدروح الله، آریان، حمید (۱۴۰۳): «بررسی تطبیقی ابداعی بودن آفرینش جهان و انسان از نظر قرآن و فیلسوفان»، *دوفصلنامه علمی مطالعات تفسیری تطبیقی*، ۱۸(۹۱/۱۰): ۳۱-۱۰۶، csq.2025.483123.1479، انسان از نظر قرآن و فیلسوفان»

©2025 نویسندگان، دارندة حق تالیف مقاله خود بدون محدودیت هستند. ناشر: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم



۱. مقدمه

خداوند متعال در قرآن کریم بارها مسئله آفرینش مخلوقات را مطرح کرده و مخاطبان خود را به آفریننده جهان و انسان و هدفدار بودن خلقت عالم توجه داده است. یکی از ابعاد آفرینش جهان و انسان ابداعی بودن آفرینش آن‌ها است. خداوند در قرآن خود را بديع السموات و الارض خوانده (بقره/۱۱۷، انعام/۱۰۱) و از سوی دیگر موضوع آفرینش ابداعی، در لابه‌لای برخی آثار فلسفی مورد عنایت واقع شده است (برای نمونه ر.ک: ابن‌سینا، ۱۴۲۳: ۲۸۶؛ ابن‌رشد الاندلسی، ۱۹۸۷؛ سهروردی، ۱۳۷۲: ۱/۴۴ و ۱۱۱؛ سبزواری، ۱۴۱۶: ۳/۶۶۰). اکنون پرسش اساسی این است که تصویر قرآن از ابداعی بودن خلقت جهان و به تبع آن انسان چیست؟ و فیلسوفان در معنای ابداع چه می‌گویند و حاصل اندیشه‌ورزی آنان درباره ابداعی بودن آفرینش جهان و انسان چیست؟ پرسش بعدی این است که نقاط اشتراک و افتراق این دو دیدگاه چیست؟ و در نهایت نقاط تمایز نظر قرآن با نظر فیلسوفان در چیست؟

به لحاظ پیشینه در بعضی از کتاب‌های انسان‌شناسی یا تفاسیر موضوعی (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۸-۲۴؛ رجبی، ۱۳۷۹: ۹۴-۹۸، مصباح‌یزدی، ۱۳۷۸: ۳۳۱) به صورت کلی، اشاراتی به این مسئله از نگاه قرآن شده؛ اما نویسندگان این آثار بحث موضوعی جداگانه و مستقلاً در این باره از نگاه قرآن ارائه نداده و غالباً نگاهی گذرا یا ضمنی به این موضوع داشته‌اند. در کتاب «آفرینش انسان در قرآن» (آریان و دیگران، ۱۳۹۵) نیز به بحث آفرینش ابداعی انسان در قرآن مستقلاً توجه شده و مطالب خوبی در این باره آمده است؛ اما جای کندوکاو بیشتر در جوانب مسئله آفرینش ابداعی جهان و انسان از منظر قرآن همچنان باقی است. شرف‌الدین خراسانی در مقاله‌ای دایرة‌المعارفی (خراسانی، ۱۴۰۱، مدخل ابداع) مفهوم و ماهیت ابداع را با تکیه بر آیات و احادیث و تفسیر و تحلیل مختلف حکما و اندیشمندان اسلامی، تبیین نموده است و همچنین مهدی خانکه هم در مقاله‌ای دیگر (خانکه، ۱۴۰۲: ۶۲-۶۴) ابداعی بودن اصل جهان را به طور ضمنی و به عنوان فعل الهی از دیدگاه حکمای اسلامی تشریح کرده است؛ علاوه بر آن‌ها در دانشنامه برخط ویکی‌فقه (ویکی‌فقه، مدخل ابداع) آفرینش ابداعی به عنوان فعل خدا، از نظر قرآن و فیلسوفان و متکلمان در حد مقالات دانش‌نامه‌ای گزارش و به صورت اجمالی بررسی شده است. با این حال، به نظر می‌رسد بررسی تطبیقی این موضوع از منظر قرآن و فیلسوفان کاری فاقد پیشینه خاص بوده و در این مقاله به عنوان کاری نو بدان پرداخته می‌شود.

طرح این بحث از جهت دیگری نیز اهمیت و ضرورت دارد و آن این که بعضی از آیات قرآن، به دلالت التزامی به خلقت ابداعی انسان اشاره دارند و از طرفی در برخی آیات دیگر، مسبوق بودن خلقت انسان به ماده اولیه به روشنی مطرح شده که در نگاه بدوی مغایرت با آفرینش ابداعی او دارد. به همین جهت لازم است مجموعه آیات مرتبط با این مسئله مورد بررسی قرار گیرد تا هم مراد از آفرینش ابداعی در قرآن معلوم شود و هم تعارض ظاهری یاد شده توجیه و توضیح معقولی پیدا کند.

شیوه مطالعه در این پژوهش اسنادی است و حل مسئله در استخراج دیدگاه قرآن و در گزارش و بررسی دیدگاه فیلسوفان به روش توصیفی - تحلیلی است و در بخش نسبت سنجی و بیان تمایز دو دیدگاه از روش تطبیقی و تا حدی از روش انتقادی بهره گرفته ایم.

بعد از مفهوم شناسی، مباحث مقاله در سه محور مطرح می‌گردد: ابتدا آیات مربوط به ابداعی بودن آفرینش جهان و انسان استخراج، تحلیل و دلالت شناسی می‌گردد. در محور بعدی نظر فلاسفه راجع به آفرینش ابداعی جهان و انسان گزارش و تحلیل می‌شود و در انتها، با مقایسه این دو دیدگاه نقاط تمایز دیدگاه قرآن از فلاسفه، نشان داده می‌شود.

۲. مفهوم شناسی

واژه «ابداع» مصدر باب افعال از ماده «بدع» است. در معنای «بدع» گفته شده: احداث چیزی که پیش از به وجود آمدنش، وجود و یادی از آن نبوده و نسبت به آن آگاهی نباشد (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۱۰: ۲/۵۴، ماده بدع)؛ پس لازمه ابداعی بودن یک شیء آن است که هیچ اثر و نام و نشانی قبل از ایجادش نباشد. راغب اصفهانی ابداع را نوآوری یا ایجاد چیزی بدون تقلید و دنباله روی از کسی می‌داند (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱/۱۱۰، ماده بدع). به نظر ابن درید واژه «بدع» برای ایجاد و احداث چیزی به کار می‌رود و با آن اول بودن در چیزی را نشان می‌دهند و همچنین برای کسی که کاری نو انجام داده، استفاده می‌شود (ر.ک: ابن درید، بی تا: ۲/۱۱۱۸، ماده بدع).

از بررسی معنای لغوی «بدع» به دست می‌آید که ابداع یعنی ایجاد چیزی بدون سابقه قبلی و به معنای نوآوری است. واژه «بدیع» صفت مشبیه از ماده «بدع» به معنای مبدع، اختراع کننده و ایجادکننده است و دلالت بر مبالغه دارد (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲: ۱/۳۶۷؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۲/۸۷).

۳. دیدگاه قرآن درباره ابداعی بودن خلقت

در قرآن کریم لفظ «بدیع» است به عنوان یکی از اوصاف خدا در مقام آفرینش آمده. بدیع برگرفته از ماده بدع است و معنای بی سابقه و اول بودن در آن وجود دارد. علاوه بر لغت‌شناسان، بسیاری از مفسران نیز ابداع را به ایجاد چیزی بدون مثال و نمونه معنا کرده‌اند (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲: ۱/۳۶۷، فخر رازی، ۱۴۲۰: ۴/۲۴، زمخشری، ۱۴۰۷: ۲/۵۴، طبری، ۱۴۱۲: ۱/۴۰۴، قرطبی، ۱۳۶۴: ۲/۸۷ و بیضاوی، ۱۴۱۰: ۲/۱۷۶).

در دو آیه قرآن، بدیع صفت خداوند واقع شده است (بقره/۱۱۷، انعام/۱۰) و در برخی دیگر از آیات، الفاظ دیگری بر این معنی دلالت دارد. آیات مربوط به ابداعی بودن خلقت، خود به دودسته آیات مربوط به آفرینش جهان و آیات مربوط به آفرینش انسان قابل تقسیم است که هر دسته را جداگانه بررسی می‌کنیم.

الف) آیات دال بر ابداعی بودن آفرینش جهان و بررسی مدلول آن‌ها

آیات دال بر ابداعی بودن خلقت جهان نیز مختلف هستند و به دودسته تقسیم می‌شوند:

دسته اول: آیات دال بر ابداعی بودن خلقت همه چیز

در این باره به دو آیه درباره ابداعی بودن آفرینش موجودات اشاره می‌شود:

۱. «وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ وَخَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ سُجْنَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُصِفُونَ، بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أُنَى يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُنْ لَهُ صَاحِبَةً وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (انعام/۱۰۰-۱۰۱).

۲. «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (بقره/۱۱۷).

در آیات سوره انعام بیان شده که مشرکان و دارندگان عقاید باطل برای خدا فرزند یا همسر یا شریک قائل بودند و خدا این امور را از خود نفی نموده و خویش را از آن‌ها منزّه دانسته و فرموده کسی که مالک همه چیز است و همه در برابر او خاضع‌اند و حتی آفریننده همه چیز است و آن‌ها را ابداع نموده و قادر مطلق است، چه نیازی به فرزند و همسر دارد؟

در آیه، عبارت «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...» به بدیع بودن فعل الهی در آفرینش آسمان‌ها و زمین اشاره شده است و اگر مراد از این بیان، آفرینش آسمان‌ها و زمین با همه محتویات باشد، شامل آفرینش انسان هم خواهد بود. شاهد بر این مطلب عبارت «وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ» در ادامه است که پس از اشاره به آفرینش ابداعی آسمان‌ها و زمین با همان سیاق به عنوان تأکید آفرینش ابداعی بیان گردیده

است؛ زیرا همان گونه که بیان شد خداوند در نفی ادعا و عقیده جاهلانه مشرکان مبنی بر فرزند داشتن خداوند، خویش را از آنچه آن ها توصیف می نمودند، تنزیه می نماید و می گوید: خداوند ابداع کننده آسمان ها و زمین است؛ یعنی کسی است که بدون الگو و نقشه سابق می آفریند، پس چه نیازی به گرفتن شریک دارد؟ در ادامه باز با طرح استفهامی انکاری که چگونه خداوند می تواند دارای فرزند و همسر باشد، درحالی که همه چیز را آفریده است با توجه دادن مخاطب به قدرت خداوند بر آفرینش همه چیز، به نفی فرزند، همسر و شریک از خویش می پردازد و بیان می کند خدایی که این گونه (بدون الگو) قادر بر خلقت همه چیز است هیچ گونه نیازی به گرفتن شریک، فرزند و یا همسر ندارد (آریان، ۱۳۹۵: ۷۲).

آیه ۱۱۷ سوره بقره نیز همان معنا را دلالت می کند و در نتیجه مطابق این آیات، همه عالم دارای خلقتی ابداعی است و انسان هم به حکم این که جزئی از این عالم محسوب می شود دارای آفرینشی ابداعی است، یعنی بدون سابقه، پیشینه و الگو با قدرت الهی به وجود آمده است (همان: ۷۳).

از امام باقر علیه السلام درباره آیه «بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» سؤال شد، حضرت فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ ابْتَدَعَ الْأَشْيَاءَ كُلَّهَا عَلَى غَيْرِ مِثَالٍ كَانَ قَبْلَهُ وَابْتَدَعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَمْ يَكُنْ قَبْلَهُنَّ سَمَاوَاتٌ وَلَا أَرْضُونَ...» (صفار، ۱۴۰۴: ۱۱۳/۸ و کلینی، ۱۴۰۷: ۲۵۶/۸). خداوند همه اشیاء را بدون مثال و نمونه قبلی، ابداع نمود؛ در این روایت علاوه بر این که کلمه «اشیاء» عمومیت دارد و شامل همه موجودات از جمله انسان می شود، نیز با الف و لام استغراق همراه و با کلمه «کل ها» تأکید گردیده است. در این زمینه می توان به خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها نیز اشاره نمود: «أَبَدَعَ الْأَشْيَاءَ لَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ قَبْلَهُ وَأَنْشَأَهَا بِلَا اخْتِدَاءٍ مِثْلَهُ» (جوهری، بی تا: ۱۳۸؛ اربلی، ۱۳۸۱: ۴۸۱/۸ - ۴۸۲).

دسته دوم: آیات دال بر تکرارناپذیری فعل خداوند در امر آفرینش موجودات

تنها آیه ای که در این زمینه می توان ذکر کرد، آیه ۲۹ سوره رحمان است که چنین می فرماید: «يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ»؛ تمام کسانی که در آسمان ها و زمین هستند از او تقاضا می کنند و او هرروز در شأن و کاری است! واژه «شأن» در عبارت «كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ» نکره و بیانگر تنوع کارهای خدا است؛ به این معنا که خدا کارش تکراری نیست. از طرفی کارهای خداوند هر ساعت و روز، جدید و نو است و این بدان معنا است که کارهای خداوند بی سابقه، بدون الگو و ابداعی است (آریان، ۱۳۹۵: ۷۷)؛ بنابراین کلمه «شأن» تفرق و اختلاف را می رساند؛ در نتیجه معنای جمله چنین می شود: خدا در هر روزی کاری دارد،

غیر آن کاری که در روز قبل داشت و غیر آن کاری که در روز بعدش دارد، پس هیچ یک از کارهای او تکراری نیست و هیچ شأنی از شئون او از هر جهت مانند شأن دیگر نیست. هر چه انجام می دهد بدون الگو و قالب و نمونه است یعنی به ابداع ایجاد می کند و به همین جهت است که خود را بدیع نامیده و فرموده «بدیع السماوات و الارض» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹/۱۰۲).

جهان و از جمله انسان برای حدوث و استمرار وجودشان پیوسته نیازمند افاضه وجود از جانب خدا هستند در غیر این صورت نه به وجود می آیند و نه می توانند به وجود خود ادامه دهند؛ بنابراین لحظه به لحظه باید این وجود از جانب پروردگار به موجودات برسد و این همان معنای ابداع است. در نتیجه آیه شریفه با اطلاق آن، شامل آفرینش ابداعی انسان نیز می شود (آریان، ۱۳۹۵: ۷۸).

امیرالمؤمنین علیه السلام عبارت «كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ» را به ایجاد موجودی تازه و بدیع و بی سابقه تفسیر نمود (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۱۴۱) که ابداعی بودن آفرینش همه مخلوقات از آیه را تأیید می کند. همچنین ابی میسره منظور از آیه را حیات بخشیدن و میراندن و صورتگری در رحم می داند (سیوطی، ۱۴۰۴: ۶/۱۴۳). در مجموع با توجه به بی سابقه بودن خلقت انسان و عدم نیاز به نمونه قبلی، این آیه و روایات ذیل آن بر آفرینش ابداعی وی دلالت دارند.

در نتیجه می توان گفت آیات الهی آفرینش جهان را به جهت بی سابقه بودن، ماده اولیه نداشتن و افاضه آن به آن، ابداعی می داند که شامل همه موجودات از جمله انسان می شود. در ادامه آیتاتی مربوط به آفرینش انسان در سه دسته مطرح و بررسی می شود.

ب) آیات دال بر ابداعی بودن آفرینش انسان و بررسی مدلول آن ها

این گونه آیات را هم می توان به سه دسته تقسیم کرد:

دسته اول: آیات دال بر آفرینش بار اول

در قرآن سه آیه به آفرینش بار اول دلالت دارند:

۱. «أَوْ خَلَقًا مِّمَّا يَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ فَسَبِقُولُونَ مَنْ يَعْبُدْنَا قُلِ الَّذِي فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ...» (اسراء/۵۱).

این آیه شریفه در رد دیدگاه کسانی است که برانگیخته شدن دوباره انسان بعد از مرگ را انکار می کنند که در آیه ۴۹ بدان اشاره شد و تأکید می کند همان خدایی که در آغاز شما را آفرید در حالی که چیزی نبودید، همو قادر است شما را پس از مرگ دوباره زنده کند (آریان، ۱۳۹۵: ۷۳).

عبارت «الَّذِي فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ» شاهد مطلب است. ماده «فطر» در اصل به معنای شکافتن چیزی از ناحیه طول آن است، اما در معنای ابداع نیز به کار می‌رود. همان‌گونه که برخی گفته‌اند وقتی ماده «فطر» به خدا نسبت داده می‌شود، مقصود ایجاد و ابداع شیء است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۴۰/۱، طریحی، ۱۳۷۵: ۴۳۸/۳). شعرانی نیز این معنا را برای «فطر» تأیید نموده و یکی از معانی آن را ایجاد، آفرینش موجودات و آوردن آن‌ها از نیستی به هستی می‌داند (شعرانی، ۱۳۸۰: ۲۶۵). با این حال نسبت ابداع با فطر از جهت مفهومی عام و خاص مطلق است. در ابداع عنایت به نفی الگو و مثال سابق است چه شیء با ماده قبلی به وجود بیاید یا بدون ماده قبلی؛ ولی در فطر نظر به طرد عدم و ایجاد شیء از نیستی است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۷/۶)؛ لذا فطر همیشه معنای ابداع یعنی آفرینش بدون الگو و ماده قبلی را دارد.

علاوه بر آن تعبیر «أَوَّلَ مَرَّةٍ» بر عدم سابقه دلالت دارد و از آن نیز ادعای بودن خلقت انسان را می‌توان استفاده کرد؛ زیرا اگر انسان سابقه‌ای در عالم وجود داشت، ذکر «أَوَّلَ مَرَّةٍ» صحیح نبود. پس معنای آیه این است که خدایی که شما را بار اول از کتم عدم، وجود بخشید، می‌تواند دوباره زندگی شما را اعاده کرده و در قیامت شما را بازگرداند.

۲. «قُلْ يَحْيَىٰ هَا الَّذِي أَنشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ» (یس/۷۹).

تعبیر «أَنشَأَهَا» با توجه به معنای انشاء بر ایجاد بی سابقه دلالت دارد. انشاء مانند ابداع ایجاد ابتدایی فعل بدون مثال قبلی است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴/۵۷۷)؛ یعنی آن‌ها را بدون الگو و نمونه ایجاد کرد.

مرحوم طبرسی در ذیل آیات «وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» (انعام/۹۸) و «وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ» (مؤمنون/۷۸) انشاء را به آفرینش ابداعی و بدون سابقه معنا و تفسیر می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴/۵۲۶ و ۷/۱۸۱). علامه طباطبایی (ره) نیز در تفسیر آیه «أَنشَأَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ» انشاء سمع و بصر را به جهت این‌که در اجناس قبل از حیوان یعنی عناصر و جمادات و نباتات بی سابقه بوده و به انسان و حیوان اختصاص یافته، به معنای ابداع آن‌ها معنا می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۵/۵۳).

بر این اساس می‌توان گفت: انشاء گاهی به معنای ایجاد ابتدایی است، در این صورت بی‌مثال خواهد بود و همان معنای ابداع را دارد. بنابراین معنای «قُلْ يَحْيَىٰ هَا الَّذِي أَنشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ...» (یس/۷۹) این است: خدایی که انسان را بدون سابقه ایجاد نمود و بدان حیات بخشید، می‌تواند آن را دوباره زنده کند.

تعبیر «أَوَّلَ مَرَّةٍ» نیز آن ایجاد بی سابقه را تأکید می نماید. قرینه سیاق آیات نیز بر آفرینش ابداعی انسان دلالت دارد؛ خدا در آیه ۷۷ سوره یس می فرماید ما انسان را از نطفه آفریدیم «أَنَا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ» یعنی صورت انسانی نداشت و بدون الگوی قبلی و بی سابقه بود و در آیه ۸۰ می فرماید: «الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقِدُونَ» خداوند کسی است که برایتان از درخت سبز و تر، آتش قرار می دهد، خدای تعالی هم از عدم موجودات را آفرید و هم از اجناس متضاد (آب و آتش)، جنس مخالف و ضد آن را می آفریند. در آیه ۸۲ نیز در توضیح و بیان ایجاد می فرماید: «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» شأن الهی این گونه است، که تا اراده ایجاد چیزی کند تنها می گوید «باش» پس موجود می شود؛ نه نیاز به مهلت است و نه تدریج، و این گواه بر ابداعی بودن و عدم نیاز به الگو و نمونه سابق است؛ اگر مهلت و تدریجی هم مشاهده می شود از ناحیه خود موجودات است. بنابراین خداوند انسان را بدون طرح و نقشه پیشین ابداع و انشاء کرد.

در تأیید این آیات پاسخ امام رضا علیه السلام به پرسشی است که از آن حضرت درباره توحید شد، حضرت چنین نوشت: «الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ الْأَشْيَاءِ إِنْشَاءً وَمُجْتَدِعِهَا ابْتِدَاعًا بِقُدْرَتِهِ وَحِكْمَتِهِ لَا مِنْ شَيْءٍ فَيَبْطُلُ الْإِخْتِرَاعُ وَلَا لِإِعْلَاءٍ فَلَا يَصِحُّ الْإِبْتِدَاعُ خَلَقَ مَا شَاءَ كَيْفَ شَاءَ...» (کلینی، ۱۴۰۷ / ۱ / ۱۰۵). در این کلام، امام رضا علیه السلام واژه «فاطر»، «انشاء» و «ابداع» را در یک سیاق با اوصاف «لَا مِنْ شَيْءٍ» و «لَا لِإِعْلَاءٍ» به کار برده اند و مراد حضرت این است که خداوند با قدرت و حکمتش و بدون شیء سابق و بدون علتی خارج از ذاتش، اشیاء را فطر، انشاء و ابداع نمود. بنابراین آفرینش الهی متوقف بر وجود اصل یا ماده قبلی نیست؛ بلکه خداوند اشیاء را «لا من شیء» می آفریند؛ یعنی بدون آن که ماده ای در کار باشد، زیرا ماده را هم خدا می آفریند (ملاصدرا، ۱۳۸۳ / ۳ / ۱۹۷).

در فرمایش حضرت رضا «فاطر الاشیاء انشاء»، واژه «الاشیاء» هم جمع و هم همراه الف و لام است، لذا همه موجودات از جمله انسان را شامل شده و بیانگر این است که آفرینش انسان نیز ابداعی است.

۳. «أَفْعَيْنَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ مِنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ» (ق / ۱۵).

آیه درباره کفار منکر قیامت است که نسبت به خلق دوباره و احیاء خویش پس از مرگ در شک هستند. در پاسخ آنان خدا با استفهام انکاری از ایشان می پرسد آیا ما از آفرینش اول عاجز بودیم؟

در این که مراد از آفرینش اول چیست دو معنا می توان بیان نمود: اول این که

مراد از آن، آفرینش اول انسان است؛ دیگر این که مراد از آن آفرینش آسمان ها و زمین و عالم هستی باشد. در صورت اخیر آیه به طور ضمنی آفرینش انسان را نیز در برمی گیرد اگر مراد از آن آفرینش انسان باشد که به قرینه سیاق در خود آیه شریفه که مراد از «هم» در «بَلَّ هُمْ فِي لَبِيسٍ» انسان های کافر هستند و نیز به قرینه سیاق آیه بعدی که فرموده: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلَهُ مَا تُوَسَّوَسُ بِهِ نَفْسُهُ...» (ق/ ۱۶) و همچنین به قرینه آیاتی که در دو مورد قبل بدان ها پرداختیم (فَطَرَكَمُ أَوَّلَ مَرَّةٍ. أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ)، مراد از آن خلقت انسان است، در این صورت آیه دلالت بر ابداعی بودن آفرینش انسان دارد؛ زیرا خلقت به «الاول» توصیف شده است و خلق اول درجایی است که قبل از آن آفرینشی نبوده، یعنی سابقه ای نداشته و بعد به وجود آمده باشد و این بر معنای ابداع دلالت دارد (آریان، ۱۳۹۵: ۷۶).

علاوه بر این از تعبیر «الخلق» هم می توان آفرینش ابداعی را از آیه استفاده نمود. واژه «خلق» در اصل به معنای تقدیر و اندازه گیری است ولی به اعتبار ایجاب بر وفق تقدیر، در معنای ایجاد و به معنای ابتداء نمودن شیء به شکلی که نمونه قبلی ندارد، نیز به کار رفته است (: ابن منظور، ۱۴۱۴: ۸۵/۱۰). راغب اصفهانی دو کاربرد معنایی برای «خلق» در قرآن ذکر می کند: ۱. آفرینش بدون سابقه یا ابداع؛ ۲. ایجاد چیزی از چیز دیگر (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۹۶). علامه طباطبایی (ره) نیز بر آن است که خلق در اصل به معنای اندازه گیری است؛ اما بعدها در عرف دین و دین داران در معنای ابداع و ایجاد بدون نمونه قبلی به کار رفته و در این معنا ثبات یافته است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۸/۱۵۰)؛ بنابراین به نظر می رسد خلق به معنای مطلق ایجاد کردن در مصداق بر ابداع منطبق می شود و بدین لحاظ مراد از آن ایجاد بدون سابقه است، چنان که عبارت «خلق کل شیء» در آیه «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ... وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (انعام/ ۱۰۰)، به نوعی تأکید همان معنای ابداع در صدر آیه است. با توجه به این نکات در آیه «أَفَعَيْنَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ» تعبیر خلق اول، ناظر به آفرینش اولیه و بی مثال انسان است که همان آفرینش ابداعی اوست (آریان و دیگران، ۱۳۹۵: ۷۶).

دسته دوم: آیات دال بر لاشیء بودن انسان

در برخی آیات قرآن به آفرینش انسان چنین اشاره می کند که او چیزی نبوده و سابقه ای نداشته و خداوند وی را به وجود آورد و این به معنای ابداعی بودن آفرینش اوست. در سه آیه به این نکته اشاره شده است:

۱. «قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَىٰ هِمِّنٌ وَقَدْ خَلَقْتِكُمْ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ تَكُ شَيْئًا»

(مریم/ ۹).

۲. «أَوْ لَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانَ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ وَ لَمْ يَكُنْ شَيْئاً» (مریم/۶۷).

۳. «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَذْكُوراً» (انسان/۱).

این آیات بیان می‌کند که روزی انسان نبود و بعد به وجود آمد. آیه اول بشارت ولادت حضرت یحیی علیه السلام به حضرت زکریا علیه السلام است و پاسخ سؤال او که چگونه صاحب فرزند می‌شود، درحالی که پیر گشته و همسرش نازاست؟ خداوند می‌فرماید: این کار بر من آسان است درحالی که خودت را خلق کردم و تو چیزی نبودی و اصلاً وجودی نداشتی. یعنی همان‌گونه که آفرینش تو ابداعی بوده که بیانگر قدرت الهی است، اعطای فرزند هم همین‌گونه خواهد بود.

در آیه دوم نیز تأکید شده انسان چیزی نبوده و خداوند او را آفرید. پرسش در آیه از چیزی است که هر کس به طور طبیعی تصدیقش می‌کند. زیرا هر انسانی به راحتی درک می‌کند که روزی در این عالم نبوده و از طرفی می‌بیند انسان‌های جدیدی که در این عالم نبودند، به وجود می‌آیند. در این دو آیه «شیئاً» نکره در سیاق نفی است و دلالت بر عموم می‌کند. معنای «لم یکن شیئاً» این است که اثری از انسان نبود. معدوم بودن او به دو لحاظ قابل تصور است: هم به لحاظ این که مثال و نقشه‌ای برای انسان نبوده گرچه ماده خلقت برای او بوده باشد و هم به این صورت که علاوه بر نبودن مثال و صورت، ماده نیز برای انسان وجود نداشته است. بدین جهت در آیه سوم کلمه «شیئاً» به «مذکوراً» توصیف گردیده و مذکور بودن انسان نفی شد و معنایش این است که در زمانی انسان گل (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰/۶۱۴) یا نطفه موجود بود، ولی چون فعلیت نیافته و صورت انسانی نگرفته بود، قابل ذکر نبود.

اختلاف در تعبیر بین آیه سوم با دو آیه قبل می‌تواند بیانگر این نکته باشد که انسان در مراحل خلقت، در برهه‌ای «لاشیء» بود، یعنی معدوم بود (نه دارای ماده بود و نه صورت و مثال) ولی در برهه‌ای دیگر شیء (دارای ماده) شد ولی شیء قابل ذکری نبود (مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ۳۳۱). شاهد بر این نکته این است که در آیه دوم سوره دهر می‌فرماید: «أَنَا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ...»، تعبیر خلقت انسان از نطفه می‌فهماند که ماده انسان موجود بوده، ولی بالفعل به صورت انسان درنیامده بود تا قابل ذکر باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲۱/۲۰). روایتی هم ذیل آیه «لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَذْكُوراً» (انسان/۱) از امام باقر علیه السلام نقل شده به این بیان که «کان شیئاً ولم یکن مذکوراً» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰/۶۱۴) این تعبیر هم معنای یادشده را تأیید می‌کند.

درمجموع از این دسته آیات و آیات دیگر این نکته به دست می‌آید که آفرینش

انسان، چه با وجود ماده قبلی و عدم آن، چون مثال و الگویی برای او نبوده، ابداعی است.

دسته سوم: آیات دال بر ابدائی بودن آفرینش انسان

در برخی آیات از ماده «بدأ» برای بیان آفرینش انسان استفاده شده که معنایی نزدیک به «بدع» دارد و می‌توان به این‌گونه آیات نیز برای ابداعی بودن آفرینش انسان استناد نمود (آریان، ۱۳۹۵: ۸۱). واژه «بدء، ابداء و ابتداء» در اصل به معنای مقدم نمودن شیء است و به بزرگ یک قوم «بدء قوم» اطلاق می‌گردد، بدان جهت که وی آقا و مقدم بر دیگران است (فیومی، ۱۴۱۴: ۴۰/۲). اما لغویون خداوند را از آن جهت مبدیء گویند که او اشیاء را در آغاز بدون نمونه قبلی ایجاد و اختراع نمود (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۶/۱). به نظر راغب اصفهانی «شیء بدیء» به چیزی می‌گویند که معهود نباشد یعنی بی‌سابقه باشد مانند بدیع که قبلاً انجام نشده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۱۳). بررسی کاربردهای واژه «بدأ» و مشتقات آن در آیات قرآن بیانگر آن است که در قرآن «بدأ» به معنای «بدع» و آفرینش بی‌سابقه به‌کاررفته است.

آیات زیر که در آن‌ها از خلقت انسان با ماده «بدء» تعبیر شده، می‌توانند ناظر بر آفرینش ابداعی انسان باشند:

۱. «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ» (سجده/۷).

۲. «مَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدًّا عَلَيْنَا أَنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ» (انبیاء/۱۰۴).

۳. «وَأَدْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ» (اعراف/۲۹).

با توجه به دلالت معنای «بدء» بر ایجاد چیزی بدون نمونه قبلی، حاصل معنای آیات این خواهد بود که خداوند بدون نیاز به نقشه قبلی، آدمی را ایجاد نموده و در این کار بی‌نیاز از نمونه و الگو است که این همان آفرینش ابداعی است (آریان، ۱۳۹۵: ۸۲).

نکته دیگر این‌که در تعدادی از آیات دو واژه «بدء» و «عود» مقابل یکدیگر به‌کاررفته‌اند؛ هم‌چنانکه علاوه بر آیات ۱۰۴ انبیاء و ۲۹ اعراف، در برخی آیات دیگر نیز مشاهده می‌شود: «إِنَّهُ هُوَ يَبْدِيءُ وَيُعِيدُ» (بروج/۱۳)، «أَوَّلَمَ يَرَوْا كَيْفَ يَبْدِيءُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ...» (عنکبوت/۱۹؛ یونس/۴ و ۳۴، نمل/۶۴؛ روم/۱۱ و ۲۷؛ عنکبوت/۲۰).

تقابل این دو واژه بیانگر آن است که بین آن‌ها از جهت مفهومی نوعی ارتباط وجود دارد، به این معنا که «بدء» و «ابداء» به معنای آغاز چیزی است که نبوده و بدون سابقه آفریده شده ولی «اعاده» بازگشت همان چیز است که روزی بوده.

علامه طباطبایی (ره) کیفیت ابداء و اعاده را از یک سنخ می‌داند که هر دو «انشاء مالم یکن» هستند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶/۱۱۷)؛ پس موجودی مانند انسان به اعتبار این که نبوده و ایجاد شده (که در بعضی آیات از آن به فطر اول یا خلق اول یا انشاء اول تعبیر آورده (اسراء/۵۱؛ یس/۷۹؛ ق/۱۵))، واژه «ابداء» درباره اش به کار رفته و به اعتبار این که بوده و سابقه داشته و بعد از فناء دوباره ایجاد شده، بدان «اعاده» اطلاق گردید؛ بنابراین اگر می‌فرماید: خداوند کسی است که آفرینش را آغاز کرد و سپس باز می‌گرداند و یا در زمین سیر کنید و ببینید چگونه آفرینش را آغاز نمود یا همان گونه که آفرینش شما را آغاز کرد شما را باز می‌گرداند، این گونه آیات همه بر آفرینش ابداعی و بدون الگوی انسان و موجودات دلالت می‌کنند؛ زیرا اگر آن‌ها الگو یا نمونه‌ای داشتند، ابتدا کردن و مقدم داشتن آن‌ها معنای صحیحی نمی‌یافت.

در آیه «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ» (عنکبوت/۲۰) به مشرکان می‌گوید در زمین سیر کنند تا بفهمند کیفیت آغاز خلقت و ایجاد ایشان با اختلافی که در طبیعت‌های خود دارند و تفاوتی که در رنگ‌ها و اشکال‌شان هست، چگونه بوده و چگونه خدا آن‌ها را بدون الگو و نقشه قبلی و بدون حساب و عددی معین یا نیرویی، مثل هم آفریده است. این طرز فکر دلیل محکمی است بر این که قدرت او حساب و اندازه ندارد، در نتیجه جهان آخرت را همین گونه ایجاد می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶/۱۱۷). عبارت «یُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ» در مقابل «النَّشْأَةَ الْأُولَى» است و هر دو انشاء (یعنی اختراع و ابتداء و خروج از عدم به وجود) هستند تنها تفاوت این که نشاء الآخرة، انشاء بعد از انشاء مثلث است (طبرسی، ۱۴۱۲: ۳/۲۴۳).

از آیه «قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَن يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ قُلْ اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ» (یونس/۳۴) چنین به دست می‌آید که ای پیامبر بگو از این بت‌هایی که آن‌ها را شریک در عبادت خدای متعال قرار داده‌اید یا شریک در اموال خود، آیا کسی هست که بتواند موجودات را از عدم به وجود آورد و دوباره در عالم دیگر بازگرداند؟ اگر گفتند: شریکان چنین قدرتی ندارند یا در جواب سکوت کردند، به آن‌ها بگو خداست که خلق را در آغاز بدون نمونه آفریده و سپس از بین می‌برد و دوباره در روز قیامت باز می‌گرداند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵/۱۶۵).

۴. نظر فلاسفه درباره آفرینش ابداعی جهان و انسان

نخست لازم است معنای ابداع را از نظر فلاسفه مورد توجه قرار دهیم. معنای ابداع در فلسفه: در اصطلاح فلاسفه معنی و تعریف ابداع به صورت‌های

گونگونی بیان شده استاز جمله: ایجاد شیء بدون نیاز به ماده و ابزار (یا شرط) و مدت (زمان) (سهروردی، ۱۳۷۲: ۴۴/۱؛ ابن سینا، ۱۴۲۳: ۲۸۶؛ ابن رشد الاندلسی، ۱۹۸۷: ۱۱۱) و بر این اساس ملاحظاتی سبزواری گفته است: مبتدع چیزی است که مسبوق به ماده و زمان نیست (سبزواری، ۱۴۱۶: ۳/۶۶۰)؛ ایجاد چیزی نه از چیز دیگر و نه به واسطه چیز دیگر (ابن سینا، ۱۳۶۰: ۱۱۹-۱۲۰؛ الاعسم، ۱۴۱۳: ۱۴۹). آنان همچنین به ظاهر کردن چیزی از نیستی و عدم (الاعسم، ۱۴۱۳: ۶۲) و ایجاد چیزی که مسبوق به عدم است (ابن سینا، ۱۳۷۵: ۳/۶۷) ابداع اطلاق کرده‌اند. ابن سینا دو تعریف مختلف برای ابداع بیان کرده است: عدم وجود فاصله مادی میان جاعل و مجعول و عدم وجود هرگونه فاصله حتی فاصله غیرمادی بین آن دو. بر اساس تعریف دوم، تنها ایجاد عقل اول ابداعی است (ابن سینا، ۱۳۷۵: ۳/۱۲۰ و ۲۵۴؛ ابن سینا، ۱۳۸۲: ۲۶۷).

فارابی ابداع را حفظ ادامه وجود شیء می‌داند که تنها توسط ذات مبدع صورت می‌گیرد (فارابی، ۱۹۰۷: ۵۸)؛ در این صورت همه موجودات از مبدعات به حساب می‌آیند چون ما سوی الله همه ممکن الوجود هستند و برای وجود یافتن به علت ایجادکننده نیاز دارند و به اقتضای ذاتشان، لیس و نیستی‌اند و وجودشان با توجه به علت موجوده‌شان است؛ لذا موجودیت آن‌ها بعد از معدومیت مطلق آن‌هاست و این بعدیت ذاتی است و نه زمانی و از این جهت مبدع هستند و نیز از جهت این‌که آن‌ها به آن، وجودشان وابسته به افاضه وجود از جانب واجب الوجود است به همین علت، اگر او آفریده‌هایش را رها کند، آن‌ها بی‌درنگ به عدم بر خواهند گشت؛ بنابراین ابداع در اصطلاح مشهور فلاسفه و حکما منحصر به جایی است که شیء از ماده قبلی به وجود نیامده باشد و ابداع در این اصطلاح به عالم غیرمادی یا اصل عالم ماده و طبیعت اختصاص دارد.

اختلاف حکمای اسلامی در معنای لفظ ابداع: حکیمان مسلمان در مورد لفظ ابداع مقداری اختلاف دارند؛ ابن سینا درجایی ابداع را به «خلقت اولین» معنا می‌کند. در نظر او مبدع آن موجودی است که میان او و خدا واسطه‌ای نباشد؛ در نتیجه مبدع در نزد ابن سینا منحصر در عقل اول است؛ اما ابداع در نظر جمهور حکما به معنای «خلقت بدون نیاز به ماده و زمان» است. از این رو طبق مبنای جمهور حکما جمیع عقول، بلکه نفوس فلکی از مبدعات‌اند (حسن زاده آملی، ۱۳۷۵: ۲۰۲). در این میان علامه طباطبایی (ره) ابداع را منحصر در مخلوق خاص نمی‌داند بلکه در نظر وی همه موجودات و مخلوقات از مبدعات هستند. به نظر می‌رسد نظریه اخیر (علامه طباطبایی) با آیات و روایات هماهنگ است.

علامه در توضیح نظر خود می‌گوید: تجربه ثابت کرده است، هر دو موجودی که فرض شود، هرچند در کلیات و حتی در خصوصیات متحد باشند، به طوری که در حس آدمی جدایی نداشته باشند، در عین حال یک جهت افتراق بین آن دو خواهد بود وگرنه دو تا نمی‌شدند و اگر چشم عادی، آن جهت افتراق را حس نکند، چشم مسلح به دوربین‌های قوی آن را می‌بیند. برهان فلسفی نیز این معنا را ایجاب می‌کند؛ زیرا وقتی دو چیز را فرض کردیم که دو تا هستند، اگر به هیچ وجه امتیازی خارج از ذاتشان نداشته باشند، لازمه‌اش این می‌شود که آن سبب کثرت و دوئیت، داخل در ذاتشان باشد، نه خارج از آن؛ و در چنین صورتی ذات صرف و غیر مخلوط فرض شده است و ذات صرف نه دوتایی دارد و نه تکرار می‌پذیرد، در نتیجه چیزی را که ما دو تا و یا چند تا فرض کرده‌ایم، یکی می‌شود و این خلاف فرض ما است. پس نتیجه می‌گیریم که هر موجودی از نظر ذات مغایر با موجودی دیگر است و چون چنین است، پس هر موجودی بدیع الوجود است؛ یعنی بدون این که قبل از خودش نظیری داشته باشد و یا مانندی از آن معهود در نظر صانعش باشد وجود یافته، در نتیجه خداوند مبتدع و بدیع السماوات و الارض است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱/۲۶۳).

فلاسفه درباره ابداعی بودن آفرینش مطالبی مطرح نموده‌اند که در دو بخش آفرینش ابداعی جهان و آفرینش ابداعی انسان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) آفرینش ابداعی جهان از نظر فلاسفه

در نظر مشهور حکمای اسلامی موجودات عالم سه دسته‌اند: مبدعات، مخترعات و مکونات. مبدعات موجوداتی هستند که در خلقت محتاج به ماده و مدت نیستند مانند عقول مجرد و نفوس کلیه. مخترعات آن موجوداتی هستند که در خلقت فقط به ماده محتاج‌اند، همچون فلکیات؛ و مکونات موجوداتی هستند که هم محتاج به ماده هستند و هم مدت، مانند عنصریات و موالید سه‌گانه که معدنیات و نباتات و حیوانات باشند (ابن‌سینا، ۱۳۶۰: ۴؛ میرداماد، ۱۳۷۴: ۶۰؛ سبزواری، ۱۳۶۱: ۱/۱۶۸).

علامه حسن‌زاده‌آملی (ره) در یکی از آثار فلسفی خود بعد از بیان این سه اصطلاح، نظر شیخ‌الرئیس را غیرازاین می‌داند. به نظر ایشان ابن‌سینا در ابتدا همین تقسیم‌بندی را بیان می‌کند اما در جای دیگر (ابن‌سینا، ۱۳۸۲: ۳۴۲؛ حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۹: ۳/۲۵۴ و ۱۲۰). ما سوی الله را دارای وجود ابداعی می‌داند که آن به آن دم‌به‌دم وجود ابداعی دارند و آیه شریفه «کل یوم هو فی شأن» (الرحمن/۲۹) شاهد بر این مطلب است. وی در توضیح این نکته می‌گوید: در حرکت جوهری

و در تجدد امثال و در این که هرکجا وجود هست، اسماء و صفات الهی دم به دم پیاده می شود، این معنا بهتر خودش را نشان می دهد؛ بنابراین این ها همه وجود ابداعی دارند و از این رو این تقسیم را برمی داریم (حسن زاده آملی، ۱۳۸۸: ۱/۵۹۸). شهید مطهری بعد از بیان فرق بین ابداع و احداث از نظر فلاسفه، می گوید که ابداع آنجایی است که چیزی از چیزی به وجود نیامده [و صرف ایجاد است] و حکما هیچ چیز را در طبیعت ابداعی نمی دانند بلکه همه چیز تکوینی و احداثی است؛ اما کل طبیعت و همه موجودات را نسبت به ذات باری ابداعی می دانند؛ زیرا همه طبیعت، دیگر از چیزی به وجود نیامده و برای مجموع طبیعت دیگر ماده ای وجود ندارد (مطهری، ۱۳۸۹: ۱۰۹/۸).

آفرینش ابداعی همه موجودات بر وجه کلی: به نظر میرداماد ساحت دهر، قضا و زمان، ساحت قدر الهی است. بر این اساس، قضا عبارت است از عالمی عقلی که تمامی موجودات در آن ساحت به وجود جمعی ابداع شده اند و منظور از قدر، ساحت زمان است که موجودات با بهره مندی از مواد خارجی، یکی پس از دیگری موجود می شوند (العلوی العاملی، ۱۳۷۶: ۳۱۵-۳۱۶). ملاصدرا نیز وجود همه موجودات را به حقائق کلی و صورت های عقلی شان بر وجه کلی ابداعی می داند که این همان «قضا» ی الهی است (ملاصدرا، ۱۳۷۸: ۴۸). البته ملاصدرا این ساحت را از لوازم ذات خدای تعالی می داند که جدای از ذاتش نیست و نمی توان آن را از ما سوی الله دانست. در واقع واژه «عالم» در جریان های مختلف کلامی و فلسفی به معنای «ما سوی الله» به کار رفته و تمام موجودات، اعم از مجردات و مادیات را در برمی گیرد؛ اما ملاصدرا با یک تغییر بنیادین، این واژه را تنها به جهان مادی اختصاص داده، موجودات غیرمادی (ابداعی ات) را از شئون الهی و خارج از عالم می داند. (ملاصدرا، ۱۳۷۸: ۸۰؛ همان، ۱۳۷۹: ۲۲/۵، همان، ۱۳۷۸/۴۸؛ فیض کاشانی، ۱۳۶۲/۲۵۱).

نظر آگوستین درباره آفرینش ابداعی: آگوستین حکیم مسیحی قرن چهارم و پنجم میلادی، در چند جا از آفرینش آسمان و زمین سخن می راند. او درباره چگونگی خلقت آسمان و زمین، آفرینش آن دورا با فعل یک صنعت گر مقایسه می کند و می گوید صنعت گر با هدایت ذهن خود، چیزی را از چیز دیگر برمی سازد. ذهن او می تواند آن صورتی را که با دیده باطنی در خود ادراک می کند بر ماده خام تحمیل کند. ذهن او این صورت را بر جوهری تحمیل می کند که از پیش موجود است و هستی دارد، همچون سنگ یا گل، چوب یا طلا. اما هم صنعت گر و هم آن ماده که خمیرمایه صنع اوست، به دست خدا آفریده شده اند. او در ادامه چگونگی

خلقت را جستجو می‌کند که خدا چگونه آسمان و زمین را آفرید؟ در پاسخ این پرسش می‌گوید در آسمان، روی زمین، در هوا یا زیر دریا نبود که آن‌ها را خلق کرد؛ چراکه اینان پاره‌ای از قلمرو آسمان و زمین‌اند... آیا چیزی هست که علت هست بودنش غیر خدا باشد؟ بنابراین، این‌گونه است که خدا فرمود و آنان هست شدند. تنها در کلمه بود که آن‌ها را آفرید (آگوستین قدیس، ۳۵۸/۱۳۸۱).

آگوستین در جای دیگر خلقت را بر اساس حکمت الهی و از عدم می‌داند که خداوند آسمان و زمین را به تفکیک از یکدیگر، از عدم خلق کرد (آگوستین قدیس، ۳۹۵/۱۳۸۱ و ۳۹۶ و ۴۲۰) و برای آفرینش این‌گونه نبود که خداوند ابتدا چیزی را اراده کند و سپس چیز دیگری متعلق اراده او قرار گیرد، بلکه همه چیز را به یک باره و هم‌زمان، به طور سرمدی در یک فعل واحد اراده می‌کند (آگوستین قدیس، ۴۰۲/۱۳۸۱). وی همچنین قائل است خداوند مخلوقات و ماده آن‌ها را به طور دفعی ایجاد کرد. خدا ماده را از عدم مطلق و صورت عالم را از این ماده بی‌شکل آفرید. اما هر دوی آن‌ها را با یک فعل واحد خلق کرد، به نحوی که صورت بی‌تاخیر زمانی، در پی ماده آمد (آگوستین قدیس، ۴۰۷/۱۳۸۱). ایشان در جای دیگر صورت را دو نوع می‌داند: صورتی که از بیرون به هر موجود مادی داده می‌شود؛ مانند صورت‌هایی که به دست کوزه‌گران و نقاشان پدید می‌آید و صورتی دیگر در درون وجود دارد که مصنوع نیست، بلکه به عنوان علت فاعلی، علاوه بر صورت طبیعی و مادی اجسام، اصل حیات مخلوقات زنده را نیز تولید می‌کند. آن صورت قبلی را می‌توان به هر هنرمندی نسبت داد؛ ولی این صورت به خدای واحد صانع و خالق و مبدع اختصاص دارد که جهان و فرشتگان را بدون کمک جهان و فرشتگان آفرید (آگوستین قدیس، ۵۲۹/۱۳۹۳).

ب) آفرینش ابداعی انسان از نظر فلاسفه

فلاسفه مسلمان و غیرمسلمان در باب آفرینش ابداعی انسان به طور خاص بحثی به میان نیاورده‌اند؛ اما درباره ابداع مباحثی مطرح کرده‌اند که در مجموع می‌توان نظرات ایشان را درباره ابداعی بودن یا نبودن آفرینش انسان نیز از آن به دست آورد.

گفته شد که طبق نظر مشهور حکمای اسلامی موجودات عالم به سه دسته «مبدعات، مخترعات و مکونات» تقسیم می‌شوند (ابن سینا، ۴/۱۳۶۰؛ میرداماد، ۶۰/۱۳۷۴؛ سبزواری، ۱۳۶۱/۱: ۱۶۸). با توجه به این تقسیم‌بندی، آفرینش انسان ابداعی نیست؛ زیرا ابداعات در این تقسیم منحصر در موجوداتی است که محتاج به ماده و مدت نیستند؛ اما نظرات دیگری نیز درباره ابداعی بودن

موجودات از فلاسفه بیان شده که در آن صورت، آفرینش انسان نیز ابداعی خواهد بود. ابن سینا در جایی (ابن سینا، ۱۳۸۲: ۳۴۲؛ حسن زاده آملی، ۱۳۸۹: ۳/ ۲۵۴) «ما سوی الله» را دارای وجود ابداعی می‌داند که آن به آن این وجود اضافه می‌شود. شاید بتوان گفت این نظر همان نگاهی است که فلاسفه به طبیعت و همه موجودات دارند که هیچ چیز را در طبیعت ابداعی نمی‌دانند بلکه همه تکوینی و احداثی هستند، اما کل طبیعت و همه موجودات را نسبت به ذات باری ابداعی می‌دانند؛ زیرا همه طبیعت به عنوان مجموعه، از چیزی به وجود نیامده است و بدون ماده قبلی است (مطهری، ۱۳۸۹: ۸/ ۱۰۹). از این نظر انسان نیز به تنهایی دارای وجودی احداثی است و با در نظر گرفتن کل طبیعت و همه موجودات، وجودش ابداعی خواهد بود.

برخی فلاسفه مانند میرداماد و ملاصدرا موجودات را در دو عالم عقلی و غیر آن در نظر می‌گیرند که در عالم عقلی، تمامی موجودات به وجود جمعی ابداع شده‌اند و سپس در ساحت زمان، موجودات با مواد خارجی، یکی پس از دیگری موجود می‌شوند (العلوی العاملی، ۱۳۷۶: ۳۱۵-۳۱۶). در این صورت، وجود انسان در عالم عقلی و به وجود کلی با همه موجودات، ابداعی است و سپس وجودش در عالم ماده با مواد خارجی است.

از آنجا که آگوستین قائل است که آفرینش مخلوقات و ماده آن‌ها به صورت دفعی بوده و خدا ماده را از عدم و صورت عالم را از این ماده بی‌شکل آفرید (آگوستین قدیس، ۱۳۸۱: ۴۰۷) و از طرفی وی اصل حیات مخلوقات زنده یعنی روح آنان را نیز ابداعی می‌داند (آگوستین قدیس، ۱۳۹۳: ۵۲۹)؛ پس بر این اساس معلوم می‌شود که نظر آگوستین آفرینش انسان ابداعی است.

۵. مقایسه دیدگاه قرآن و فیلسوفان در آفرینش ابداعی

با توجه به آنچه از نظر قرآن و دیدگاه فیلسوفان در مسئله ابداعی بودن آفرینش جهان و انسان بیان کردیم، اکنون به مقایسه اجمالی این دو دیدگاه پرداخته و نقاط اشتراک و افتراقشان را آشکار می‌کنیم:

واژه ابداع در قرآن به عنوان فعل خدا درباره آسمان‌ها و زمین به کار رفته؛ ولی در مورد انسان از الفاظ هم معنا با ابداع استفاده شده است؛ اما ابداع در فلسفه، به صورت مطلق درباره پدید آمدن چیزی از عدم مطرح و بحث شده و به طور خاص درباره انسان مطرح نشده است (جز در مواردی که خلقت انسان را مانند موجودات دیگر از عدم می‌دانند).

در اصطلاح فلاسفه ابداع به ایجاد شیء بدون نیاز به ماده و زمان گفته می‌شود؛

اما از کاربردهای ماده «بدع» در قرآن به دست می‌آید که مراد از ابداع، آفرینش بی‌مثال و بدون الگوی قبلی به معنای نوآوری و ایجاد ابتکاری در خلقت است که هم بر آفرینش از عدم و بدون ماده قبلی منطبق می‌شود و هم بر آفرینش چیزی از ماده قبلی صادق است؛ بنابراین معنای ابداع در قرآن اعم از معنای آن در نزد مشهور فلاسفه است؛ البته برخی از فلاسفه مثل علامه طباطبایی (ره) معنای سومی از ابداع در فلسفه ارائه کرده‌اند که همه موجودات از جمله انسان را در برمی‌گیرد و با معنای آن در آیات و روایات مطابق است.

نظر فیلسوفان در مورد ابداع موجودات عالم مختلف است برخی آن را منحصر در عقل اول یا عقول مجرده و نفوس فلکی می‌دانند، برخی با نگاه مجموعی به موجودات، خلقت همه آن‌ها را به لحاظ کلیتشان ابداعی می‌دانند و برخی هم آفرینش عالم طبیعت را ابداعی می‌دانند؛ اما بنا بر نظر قرآن، همه موجودات عالم و هر یک از کل آفریدگان دارای خلقت ابداعی است.

طبق نظر قرآن هم آفرینش انسان هم در بُعد جسمانی و هم در بُعد روحانی ابداعی است؛ اما از نظر جمهور حکما و فلاسفه آفرینش انسان در بُعد روحانی ابداعی است و اما بُعد جسمانی انسان از مکونات است و صرفاً ماده اولیه آن ابداعی است.

از نظر قرآن و فیلسوفان، کل طبیعت و همه موجودات نسبت به ذات باری ابداعی هستند؛ اما در نظر فیلسوفان موجودات طبیعی به صورت جداگانه وجود ابداعی ندارند اما از نظر قرآن وجودشان ابداعی است.

در مقایسه دیدگاه قرآن با نظر مشهور فلاسفه در مسئله آفرینش ابداعی انسان و جهان، می‌توان گفت دو نقطه تمایز بین این دو دیدگاه چشم‌گیرتر است:

اول این‌که فلاسفه آفرینش جهان را ابداعی می‌دانند؛ اما به صراحت به بدیع بودن خلقت انسان و عدم آن اشاره‌ای نکرده‌اند و در این باره نظر واحدی ندارند. اما در آیات قرآن به آفرینش انسان اشاره شده و در آیات متعدد و با الفاظی که هم معنای ابداع هستند به بدیع بودن خلقت انسان پرداخته شده است و از مجموع آن‌ها به دست می‌آید که آفرینش انسان ابداعی است و خدا انسان را بدون الگوی سابق و بی‌مثال آفریده است.

دوم این‌که مشهور فلاسفه مخلوقات مادی را ابداعی نمی‌دانند؛ چون از نظر آنان ابداع اختصاص به جایی دارد که ایجاد شیء بدون ماده قبلی و مدت باشد و لذا درباره خلقت موجودات مادی، نظر مشهور فلاسفه دیدگاه قرآن درباره ابداعی بودن، کاملاً متفاوت است.

برخی فلاسفه متأخر مانند علامه طباطبایی (ره) بر آن است که نظر فلاسفه گذشته در ابداعی بودن آفرینش موجودات و مصادیق مخلوقات ابداعی مقبول نیست و ایشان تصویری دیگر و سومی از آفرینش ابداعی جهان و انسان ارائه داده و بر آن دلیل عقلی نیز اقامه کرده است که با نظر قرآن در این باره هماهنگ و همسو است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۸/ ۲۶۳).

نتیجه

۱. ابداع در زبان عربی به معنای ایجاد بدون نمونه و سابقه چه بدون ماده قبلی و چه با ماده اولیه است و در قرآن نیز به همین معنا به کار رفته است.
۲. از نظر قرآن خلقت جهان و آفرینش انسان هم از بُعد روحانی و هم بُعد جسمانی، ابداعی است؛ زیرا خلقت انسان یا از جهت مجموع ماده و صورت و یا تنها از جهت صورت بی نیاز از نقشه پیشین است و بُعد روحانی وی نیز به ماده اولیه نیاز ندارد. همچنین خلقت انسان به لحاظ آفرینش بی سابقه در میان انواع خلقت‌های خداوند نیز ابداعی است.
۳. برای آفرینش انسان از ماده «بدع» و مشتقاتش در قرآن استفاده نشده است؛ اما قرآن الفاظی هم معنا با آن نظیر «انشاء، ابداء، فطر و خلق» در این باره به کار رفته برده که با وجود قرینه‌های دیگر، دال بر آفرینش ابداعی است.
۴. مضمون روایات ذیل آیات و در توضیح اوصاف الهی، ابداعی بودن فعل خداوند را در همه اشیاء از جمله انسان اثبات می‌نماید.
۵. آفرینش الهی متوقف بر وجود اصل یا ماده قبلی نیست؛ بلکه خداوند اشیاء را از «لا من شیء» می‌آفریند.
۶. فلاسفه درباره آفرینش ابداعی جهان بحث کرده‌اند اما برخلاف قرآن، به صورت مستقل به آفرینش ابداعی انسان و عدم آن نپرداخته‌اند.
۷. نظر فلاسفه درباره ابداعی بودن آفرینش جهان و انسان متعدد و متفاوت است؛ اما قرآن در این باره دیدگاه واحدی دارد.
۸. طبق قاعده فلسفی «صرف الشیء لایتثنی و لایتکرر» و مقایسه کل موجودات با علت اولی و همچنین افاضه لحظه به لحظه وجود از خدای تعالی، ابداع فلسفی نیز همه موجودات را در برمی‌گیرد.
۹. به نظر حکمای مسلمان هیچ چیز در طبیعت وجودش ابداعی نیست؛ اما آنان کل طبیعت را به صورت جمعی از جهت فعل خدا بودن ابداعی می‌دانند.
۱۰. از نظر قرآن کریم و فلاسفه، فعل خداوند در عالم امری (کن فیکون) ایجاد ابداعی است، ولی با در نظر گرفتن قابلیت قابل، عموم فلاسفه این ایجاد را

تدریجی و غیر ابداعی می‌دانند.

۱۱. ابداع در اصطلاح مشهور فلاسفه به ایجاد شیء بدون نیاز به ماده و زمان گفته شده و به عالم غیرمادی یا اصل عالم ماده اختصاص دارد و طبق این مبنا جمیع عقول و نفوس فلکی از مبدعات می‌باشند.

۱۲. در مقایسه مفهوم ابداع در قرآن با اصطلاح آن نزد مشهور فلاسفه می‌توان گفت که نسبت آن‌ها عام و خاص مطلق است و مفهوم ابداع قرآنی اعم از ابداع فلسفی است و خلقت همه موجودات مادی را در برمی‌گیرد.

۱۳. دیدگاه قرآن از دو جهت با نظر فلاسفه در مسئله آفرینش ابداعی تفاوت و تمایز دارد: اول این‌که فلاسفه با وجود پذیرش آفرینش ابداعی جهان، اظهارات روشنی درباره ابداعی بودن خلقت انسان ندارند؛ اما قرآن در آیات متعدد با الفاظی که هم معنای ابداع هستند، به بدیع بودن آفرینش انسان پرداخته است. دوم این‌که مشهور فلاسفه، با توجه به معنایی که از ابداع دارند، مخلوقات مادی را ابداعی نمی‌دانند؛ اما از دیدگاه قرآن بر اساس معنای ابداع در زبان عربی، خلقت مادیات هم ابداعی است.

۱۴. مشکل نظر مشهور فیلسوفان این است که در ابداعی بودن آفرینش موجودات و مصادیق آفریده‌های ابداعی اتفاق نظر ندارند، لذا برخی مانند علامه طباطبایی (ره) بار د نظر آنها آفرینش ابداعی جهان و انسان را به گونه‌ای تصویر کرده و بر آن دلیل عقلی اقامه کرده است.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه (۱۴۱۴ ق): «شریف الرضی، محمد بن حسین، (لصباحی صالح)، محقق/مصحح: فیض الإسلام، قم: هجرت، چاپ اول.
- آگوستین قدیس (۱۳۸۱ ش): «اعترافات»، مترجم: سایه میثمی، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی، چاپ سوم.
- آگوستین قدیس (۱۳۹۳ ش): «شهر خدا»، مترجم: حسین توفیقی، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، چاپ سوم.
- ابن درید، محمد بن حسن (بی تا): «جمهرة اللغة»، بیروت: دارالعلم للملایین، چاپ اول.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۴۲۳ ق): «الاشارات والتنبيهات»، التحقیق محتبی الزارعی، قم: بوستان کتاب، الطبعة الاولى.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۷۵ ش): «الاشارات والتنبيهات»، مع الشرح للمحقق نصیر الدین محمد بن محمد بن الحسن طوسی و شرح الشرح قطب الدین محمد بن محمد بن ابی جعفر الرازی، قم: نشر البلاغة، الطبعة الاولى.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۶۰ ش): «رسائل ابن سینا»، مترجم: ضیاء الدین دری، تهران: کتابخانه مرکزی، چاپ دوم.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۴۰۰ ق): «رسائل ابن سینا»، قم: بیدار.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۸۲ ش): «الشفاء، الالهيات»، با شرح و تعليقه صدر المتالیهین، تصحیح و تحقیق: نجفقلی حبیبی با اشراف سید محمد خامنه‌ای، تهران: بنیاد حکمت صدر، چاپ اول.
- ابن رشد الاندلسی، محمد بن احمد بن محمد بن احمد (۱۹۸۷ م): «فلسفة ابن رشد فصل المقال فيما بين الحكمة و الشريعة من الاتصال»، بیروت: مكتبة التربية.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق): «لسان العرب»، بیروت: دارصادر، چاپ دوم.
- ارلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ ق): «کشف الغمة فی معرفة الأئمة (ط - القديمة)»، محقق و مصحح: هاشم رسولی محلاتی، تبریز: بنی هاشمی، چاپ اول.
- آریان، حمید و دیگران (۱۳۹۵ ش): «آفرینش انسان در قرآن»، قم: نشر مرتضی، چاپ اول.
- الاعسم، عبدالامیر (۱۴۱۳ ق): «رسائل منطقیة فی الحدود و الرسوم للفلاسفة العرب»، بیروت: دار المناهل، الطبعة الاولى.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۰ ق): «أنوار التنزیل و أسرار التأویل»، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰ ش): «انسان از آغاز تا انجام»، قم: اسراء، چاپ سوم.
- جوهری، احمد بن عبدالعزیز (بی تا): «السقیفة و فذک»، محقق و مصحح: محمد هادی امینی، تهران: مکتبه نینوی الحدیثة.
- حسن زاده آملی، حسن (۱۳۸۸ ش): «شرح فارسی الاسفار الاربعة صدر الدین شیرازی»، قم: بوستان کتاب، چاپ دوم.
- حسن زاده آملی، حسن (۱۳۸۹ ش): «دروس شرح اشارات و تنبیهات ابن سینا»، قم: آیت اشراق.
- حسن زاده آملی، حسن (۱۳۷۵ ش): «نصوص الحکم بر فصوص الحکم»، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ دوم.
- خانکه، مهدی (۱۴۰۲ ش): «تبیین مقام ابداع در صنع انسان کامل از منظر حکمت اسلامی»، مجله رهپویه حکمت هنر، دوره دوم، ش ۱، صص ۵۹-۷۳.
- خراسانی، شرف الدین (۱۳۶۸ ش): «ابداع، دائرة المعارف بزرگ اسلامی»، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- دانشنامه جوزوی ویکی فقه، مدخل ابداع (صفت فعل خدا) - (wikifeqh.ir).
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق): «المفردات فی غریب القرآن»، بیروت: دارالعلم الدار الشامیة، چاپ اول.
- رجبی، محمود (۱۳۷۹ ش): «انسان شناسی»، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ دوم.
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷ ق): «الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل»، بیروت: دارالکتاب العربی، چاپ سوم.
- سبزواری، ملاهادی (۱۳۶۱ ش): «اسرار الحکم»، تهران: مولی.
- سبزواری، ملاهادی (۱۴۱۶ ق): «شرح المنظومه»، مصحح: حسن زاده آملی، تهران: ناب، الطبعة الاولى.
- سهروردی، شهاب الدین (۱۳۷۲ ش): «مجموعه مصنفات شیخ اشراق»، تهران: مؤسسه مطالعات و

- تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه)، چاپ دوم.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴ ق): «الدر المنثور فی التفسیر بالماثور»، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، چاپ اول.
- شعرانی، میرزا ابوالحسن (۱۳۸۰ ش): «نثرطوبی: دائرة المعارف لغات قرآن مجید»، تهران: کتاب فروشی اسلامیة، چاپ چهارم.
- شیرازی، صدرالدین محمد (۱۳۷۹ ش): «الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة»، قم: انتشارات مصطفوی.
- شیرازی، صدرالدین محمد (۱۳۸۳ ش): «شرح اصول کافی»، محقق: محمد خواجوی، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- شیرازی، صدرالدین محمد (۱۳۷۸ ش): «رسالة فی الحدوث (حدوث العالم)»، تصحیح و تحقیق: سید حسین موسویان به اشراف سید محمد خامنه‌ای، تهران: بنیاد حکمت صدرا، چاپ اول.
- شیرازی، صدرالدین محمد (بی تا): «کتاب المشاعر»، مترجم: میرزا عمادالدوله، اصفهان: مهدوی.
- شیرازی، صدرالدین محمد (۱۳۷۸ ش): «المظاهر الالهیة فی اسرارالعلوم الکمالیة»، مصحح: سید محمد خامنه‌ای، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا، چاپ اول.
- صفا، محمدبن حسن (۱۴۰۴ ق): «بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیه»، قم: مکتبه آیة الله العظمی المرعشی النجفی، چاپ دوم.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ ق): «المیزان فی تفسیرالقرآن»، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲ ق): «تفسیر جوامع الجامع»، مصحح: ابوالقاسم گرجی، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ ش): «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ ق): «جامع البیان فی تفسیر القرآن»، بیروت: دارالمعرفة، چاپ اول.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵ ش): «مجمع البحرین»، تهران: کتاب فروشی مرتضوی، چاپ سوم.
- العلوی العاملی، میرسید احمد (۱۳۷۶ ش): «شرح کتاب القبسات»، تحقیق: حامد ناجی اصفهانی، تهران: نشر میراث مکتوب.
- فارابی، محمد بن محمد (۱۹۰۷ م): «المجموع للمعلم الثانی»، مصر: بی نا.
- فخرزازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ ق): «التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)»، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ ق): «العین»، قم: هجرت، چاپ دوم.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۳۶۲ ش): «اصول المعارف»، مصحح: جلال الدین آشتیانی، مشهد: دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد، چاپ دوم.
- فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ ق): «المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر»، قم: موسسه دارالهجرة، چاپ دوم.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴ ش): «الجامع لاحکام القرآن»، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ اول.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق): «الکافی (ط - الإسلامية)»، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیة، چاپ چهارم.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۸ ش): «معارف قرآن (۱-۳)»، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ دوم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹ ش): «مجموعه آثار شهید مطهری»، تهران: انتشارات صدرا، چاپ دهم.
- میرداماد، محمد باقر بن محمد (۱۳۷۴ ش): «نبراس الضیاء و تسواء السواء فی شرح باب البداء و اثبات جدوی الدعاء»، محقق و مصحح: حامد ناجی اصفهانی و علی بن جمشید نوری، تهران: نشر میراث مکتوب.

References

The Holy Quran

- Sharif al-Razi, Muhammad ibn Hossein (1414 AH): "Nahj al-Balagha, edited by Fayd al-Islam", Qom: Hijrat.
- Saint Augustine (2002 CE): "Confessions, translated by Saye Meithami", Tehran: Office of Research and Publication of Suhrawardi.
- Saint Augustine (2014 CE): "City of God, translated by Hossein Tofighi", Qom: Publications of the University of Religions and Denominations.
- Ibn Durayd, Muhammad ibn Hasan (n.d.): "Jamhara al-Lugha", Beirut: Dar al-Ilm lil-Malayin.
- Ibn Sina, Hossein ibn Abdullah (1423 AH): "Al-Isharat wa al-Tanbihat, edited by Mojtaba Zarei", Qom: Bustan Ketab.
- Ibn Sina, Hossein ibn Abdullah (1996 CE): "Al-Isharat wa al-Tanbihat, with commentary by Nasir al-Din Muhammad ibn Muhammad ibn al-Hasan Tusi and commentary on the commentary by Qutb al-Din Muhammad ibn Muhammad ibn Abi Ja'far al-Razi", Qom: Nashr al-Balagha.
- Ibn Sina, Hossein ibn Abdullah (1981 CE): "Letters of Ibn Sina, translated by Zia al-Din Dari, Tehran: Central Library.
- Ibn Sina, Hossein ibn Abdullah (1400 AH): "Letters of Ibn Sina", Qom: Bidar.
- Ibn Sina, Hossein ibn Abdullah (2003 CE): "Al-Shifa, Ilahiyat, with commentary and notes by Sadr al-Muta'allihin, edited by Najaf Quli Habibi under the supervision of Seyyed Muhammad Khamenei", Tehran: Foundation of Sadra Wisdom.
- Ibn Rushd al-Andalusi, Muhammad ibn Ahmad ibn Muhammad ibn Ahmad (1987 CE): "The Philosophy of Ibn Rushd: The Article on the Connection Between Wisdom and Sharia", Beirut: Library of Education.
- Ibn Manzur, Muhammad ibn Mukarram (1414 AH): "Lisan al-Arab", Beirut: Dar Sader.
- Arbeli, Ali ibn Isa (1381 AH): "Kashf al-Ghumma fi Ma'rifat al-A'imma (Old Edition), edited by Hashem Rasouli Mahallati", Tabriz: Bani Hashemi.
- Arian, Hamid and others (2016 CE): "Creation of Man in the Quran", Qom: Morteza Publishing.
- Al-Assem, Abdul Amir (1413 AH): "Logical Letters on the Limits and Forms for Arab Philosophers", Beirut: Dar al-Manahil.
- Baydawi, Abdullah ibn Umar (1410 AH): "Anwar al-Tanzil wa Asrar al-Ta'wil", Beirut: Mu'assasat al-A'lami for Publications.
- Jawadi Amoli, Abdullah (2011 CE): "Man from Beginning to End", Qom: Isra.
- Jawhari, Ahmad ibn Abdul Aziz (n.d.): "Al-Saqifa wa Fadak, edited by Muhammad Hadi Amini", Tehran: Ninawi al-Haditha Library.
- Hasanzadeh Amoli, Hassan (2009 CE): "Persian Commentary on the Four Journeys of Sadr al-Din Shirazi", Qom: Bustan Ketab.
- Hasanzadeh Amoli, Hassan (2010 CE): "Lessons on the Commentary of the Isharat and Tanbihat of Ibn Sina", Qom: Ayat Israq.
- Hasanzadeh Amoli, Hassan (1996 CE): "Texts of Wisdom on the Fusus al-Hikam", Tehran: Center for Cultural Publication of Raja.
- Khanke, Mehdi (2023 CE): "Clarifying the Status of Creativity in the Creation of the Perfect Human from the Perspective of Islamic Wisdom, Journal of Rahpouyeh Hikmat Art", Volume 2, Issue 1, pp. 59-73.
- Khorasani, Sharaf al-Din (1989 CE): "Creativity, The Great Islamic Encyclopedia", Tehran: Center for the Great Islamic Encyclopedia.
- Hawzah Encyclopedia Wiki Fiqh, Entry on Creativity (Attribute of God's Action) - (wikifeqh.ir).
- Raghib Isfahani, Hossein ibn Muhammad (1412 AH): "Al-Mufradat fi Gharib al-Quran", Beirut: Dar al-Ilm al-Dar al-Shamiya.
- Rajabi, Mahmud (2000 CE): "Anthropology", Qom: Educational and Research Institute of Imam Khomeini (RA).
- Zamakhshari, Mahmud (1407 AH): "Al-Kashaf 'an Haqaiq Ghawamid al-Tanzil", Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.

- Sabzevari, Mullah Hadi (1982 CE): "Asrar al-Hikam", Tehran: Muli.
- Sabzevari, Mullah Hadi (1416 AH): "Sharh al-Manzuma", edited by Hasanzadeh Amoli, Tehran: Nab.
- Suhrawardi, Shihab al-Din (1993 CE): "Collection of Works of the Sheikh of Illumination", Tehran: Institute for Cultural Studies and Research.
- Suyuti, Abdul Rahman ibn Abi Bakr (1404 AH): "Al-Durr al-Manthur fi al-Tafsir bil-Ma'thur", Qom: Public Library of Ayatollah Marashi Najafi (RA).
- Shahrani, Mirza Abu al-Hasan (2001 CE): "Nasr Tubi: Encyclopedia of the Languages of the Holy Quran", Tehran: Islamic Bookstore.
- Shirazi, Sadr al-Din Muhammad (2000 CE): "Transcendent Wisdom in the Four Rational Journeys", Qom: Mustafa Publishing.
- Shirazi, Sadr al-Din Muhammad (2004 CE): "Commentary on Usul al-Kafi, edited by Muhammad Khajavi", Tehran: Institute for Cultural Studies and Research.
- Shirazi, Sadr al-Din Muhammad (1999 CE): "Treatise on Creation (The Creation of the World), edited and researched by Seyyed Hossein Mousavian under the supervision of Seyyed Muhammad Khamenei", Tehran: Foundation of Sadra Wisdom.
- Shirazi, Sadr al-Din Muhammad (n.d.): "Kitab al-Masha'ir, translated by Mirza Imad al-Dawlah", Isfahan: Mahdavi.
- Shirazi, Sadr al-Din Muhammad (1999 CE): "The Divine Manifestations in the Secrets of the Perfection Sciences, edited by Seyyed Muhammad Khamenei", Tehran: Foundation of Islamic Wisdom Sadra.
- Safar, Muhammad ibn Hasan (1404 AH): "Basair al-Darajat fi Fada'il Ahl Muhammad (Peace be upon them)", Qom: Library of Ayatollah Marashi Najafi, Second Edition.
- Tabatabai, Seyyed Muhammad Hossein (1417 AH): "Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an", Qom: Society of Teachers of the Qom Seminary.
- Tabrisi, Fadl ibn Hasan (1412 AH): "Tafsir Jawami' al-Jami'", edited by Abu al-Qasim Gorji", Qom: Center for the Management of the Qom Seminary.
- Tabrisi, Fadl ibn Hasan (1993 CE): "Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an", Tehran: Nasir Khosrow Publishing.
- Tabari, Muhammad ibn Jarir (1412 AH): "Jami al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an", Beirut: Dar al-Ma'rifah.
- Tuhri, Fakh al-Din (1996 CE): "Majma' al-Bahrain", Tehran: Mortezaavi Bookstore.
- Al-Alawi al-Amili, Mir Seyyed Ahmad (1997 CE): "Sharh Kitab al-Qabasat, edited by Hamed Najafi Isfahani", Tehran: Nashr Mirath Maktub.
- Farabi, Muhammad ibn Muhammad (1907 CE): "Al-Majmu' li al-Mu'allim al-Thani", Egypt: Bina.
- Fakhr Razi, Muhammad ibn Umar (1420 AH): "Al-Tafsir al-Kabir (Mafatih al-Ghayb)", Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Farahidi, Khalil ibn Ahmad (1410 AH): "Al-Ayn", Qom: Hijrat.
- Fayd Kashani, Muhammad ibn Shah Murtaza (1983 CE): "Usul al-Ma'arif, edited by Jalal al-Din Ashtiani", Mashhad: Faculty of Theology and Islamic Knowledge.
- Fiumi, Ahmad ibn Muhammad (1414 AH): "Al-Misbah al-Munir fi Gharib al-Sharh al-Kabir", Qom: Mu'assasat Dar al-Hijrah.
- Qurtubi, Muhammad ibn Ahmad (1985 CE): "Al-Jami' li Ahkam al-Qur'an", Tehran: Nasir Khosrow Publishing.
- Kulaini, Muhammad ibn Ya'qub (1407 AH): "Al-Kafi (Islamic Edition), edited by Ali Akbar Ghafari and Muhammad Akhundi", Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya.
- Misbah Yazdi, Muhammad Taqi (1999 CE): "Ma'arif Quran (1-3)", Qom: Publications of the Educational and Research Institute of Imam Khomeini.
- Motahhari, Morteza (2010 CE): "Collection of Works of Martyr Motahhari", Tehran: Sadra Publishing.
- Mirdamad, Muhammad Baqir ibn Muhammad (1995 CE): "Nibras al-Diya wa Taswa al-Sawa fi Sharh Bab al-Bada wa Ithbat Jadwi al-Dua", edited and researched by Hamed Najafi Isfahani and Ali ibn Jamshid Nuri, Tehran: Nashr Mirath Maktub.